

تال و لی یا ریتم

نوشته : انجنیر صدیق قیام

با مطالعه آثار ویدا و ریگویدا که به مرور زمان به قسم موسیقی شعری به شکل سام ویدا در آمده است ، معلوم میشود که در شرق خصوصاً در کشور هندوستان و سرزمین ما مروج بوده است که اول شعر سروده میشد و سپس موسیقیدانان آنرا در قالب موسیقی تنظیم مینمودند ، به همین لحاظ در شرق تال های متنوعی ایجاد شده است و به طور مختصر گفته میتوانیم که تعداد زیاد تال ها از روی اوزان شعر ساخته شده که وزن و وقت بدخل مقیاس ها کمک کرده است .

کلمه تال از تالی گرفته شده به معنی کف زدن ، به خاطریکه در هر ضربه باید یک کف یا چک زده می شد . یک جوهره کف چوبی بنام خاد تاله ابتدا معمول شد که بعد ها انواع دهل ها تکامل کرد. تال که صنعت و ساخته دست انسان است عبارت از مقیاس های زمانی می باشد و اقسام مختلف دارد ، یک تال بسیار ساده و طبعی، حرکت قلب ماست که دارایی دو مآثره یا ضربان است مثال (دپ ، دپ)، فاصله زمانی بین (دپ) و (دپ) اگر منظم بود با لی است و قلب سالم است و اگر غیر منظم باشد طبعاً انسان مریض است و قلب نا سالم و بی لی دارد.

لی : حرکات منظم اجسام است و یک پدیده طبعی می باشد نه ساخته دست انسان ، که در طبیعت زیاد دیده می شود ، نظام کاینات در یک لی منظم است یعنی حرکات مختلف کره زمین ، اقمار و سیارات یا در مجموع نظام شمس ، حرکت قلب انسان و هر زنده جان با ضربات منظم می طبد، لی است ، حرکت یکنواخت عقربه ساعت و غیره مثال های از لی میباشد . درضرب نوازی لی یا ریتم شامل هرتال است .

قابل یاد آوربست که طبله را ابتدا امیرخسرو از تقسیم کردن پکاوچ به وجود آورد. امیر خسربلخی دهلوی ، بر علاوه که مشاور در بار و شاعر و ادیب بود موسیقی دان مجرب هم بود . متأسفانه بعد از به وجود آوردن طبله ، امیر خسرو مورد تشویق دربار قرار نگرفت و از کار خود مایوس شد . اما بعد از مرگ وی موسیقیدانان متوجه این اختراع او شدند که حالا از کارش به نیکویی یاد میگردد.

(ازجمله 16 بول یا الفاظ اساسی مروج درطبله نوازی ، 12 بول در طبله زیر یا کاتی و چهار بول دریم طبله که شاید مسی یا برنجی باشد نواخته میشود)

1 - بول یا الفاظی که با دست راست در کاتی یا Dayan کار میشود

(Ta,na—Te,ra, re – Te,ti- Tin – tun,ti- thun,di- Tak- Te/ - re/ Taa –ran - naa).

2 - بول یا الفاظی که دریم طبله یا Bayan با دست چپ کار میشود (ge, ghe طنین دار – ka , ke , kat بدون طنین).

3 - ترکیب کار همزمان هر دو دست در بم و کاتی : Dha = Ta+ghe, Dhin= Tin+gha, Dhi= ta+ghe, Dhet= tak+ ghe, Dhe =Te+ ghe

البته به دهها بول یا الفاظ دیگر توسط طبله نوازان جدیداً ساخته و استعمال میشود که در مناطق مختلف فرق میکند.

تال ها دارایی مآثره ها یا ضربان مختلف اند ، ضرب یا مآثره اول تال را که بنام سم یا ضرب گران یاد میکنند بسیار مهم است. برای اینکه یک کمپوز آغاز خوب داشته باشد یعنی لازم است که در شروع هر جمله موسیقی با ضربه نسبتاً قوی به طبله یا دهل مشخص گردد و بعد از تکرار چندین مرتبه یک تال در حالیکه (ضربه اول در هر بار تشدید میشود) ضربه آخری تال باید با سر آخری پارچه موسیقی همزمان باشد ، این یکجا ساختن ریتم و میلودی معراج موسیقی، مخصوصاً موسیقی کلاسیک است . و سبب رضایت خاطر شنونده می شود.

سارنگ دیوا در کتابش به نام سنگیت رتناکارا از یکصدو بیست تال در قرن سیزدهم تذکر داده است. اما امروز بین استادان حرفوی بین سی تا شصت تال و بین آماتوران فقط بین ده تا پانزده تال مروج است که تعداد از آنها قرار ذیل می باشند

1 - تال تینتال یا سه چک ، دارایی 16 ضرب یا مآثره و چهار بار یا سیلاب مساوی میباشد 4+4+4+4.....

2- تال کروا ، این تال دارایی هشت مآثره یا ضربان و دو بار یا سیلاب می باشد. 4+4.

3- تال دادره ، این تال دارایی شش مآتره یا ضربان و دو سیلاب یا بار میباشد.....3+3

4- تال روپک ، تال روپک دارایی هفت مآتره یا ضربان و سه بار میباشد2+2+3

به طور استثنای سم یا ضرب گران تال روپک خالی است یعنی (تن تن تک - دن تک - دن تک).

5- تال جهپتال ، جهپتال دارایی ده مآتره یا ضربان و چهار بار یا سیلاب می باشد2+3+2+3

6- یک تاله ، این تال دارایی دوازده مآتره یا ضربان و چهار سیلاب یا بار میباشد.....4+4+2+2

7- سوله تال ، سوله دارایی ده مآتره یا ضربان و پنج سیلاب یا بار میباشد2+2+2+2+2

8- چوتاله ، این تال دارایی دوازده مآتره یا ضربان و شش بار یا سیلاب می باشد.....2+2+2+2+2+2

9- دهمار ، این تال دارایی چهارده مآتره و چهاربار نامساوی می باشد5+2+4+3

10 - جومار ، این تال دارایی چهارده مآتره و چهاربار نامساوی است3+4+3+4

11- فیرو دست ، این تال دارایی چهارده مآتره و شش بار می باشد2+2+2+2+2+4

12 - پشتو تال ، که دارایی هفت مآتره و سه بار میباشد 2+2+3 (دهن،این، تک - دهن ، این-دها،دها).

13- بازهم پشتو تال ، تال دومی هم پشتو نام دارد اما 17مآتره و 5 بار نامساوی دارد..... 5+4+3+ 3+2

تال هفده مآتره هم مغلق است و کمتر رواج دارد اما تال هفت مآتره پشتو در آهنگ های فولکلور مروج است و زیاد شنیده میشود .

البته چندین تال های است که مخصوص کشورماست مانند تال مغلی و غیره که به اوزان مختلف در نقاط مختلف کشور رواج دارد که متأسفانه کسی بالای آن کار نکرده است .

14 - تال هشت مآتره پی(تپه) که در وطن ما برای آن تاپیه میگویند، سم آن خالی ادا میشود ، این تال هم ریشه افغانی دارد که از حرکت رفتار شتر گرفته شده است . اصلاً نوع تپه روش یا مکتبی بود مانند خیال ، ترانه و غیره که نسبت داشتن تان های سیمایی و مشکل از بین رفت و طرفدار ندارد اما تال آن یعنی تاپیه در غزل خوانی موسیقی شهری مخصوصاً بین استادان خرابات و آهنگ های سمت شرق و جنوب کشور رواج دارد .

15 - تال گده که چهار مآتره است بسیار مروج است و تال های چار مآتره پی دیگر هم است که صرف حرکات فرق میکند .

16- تال قوالی، تالیست که هشت مآتره و دو بار دارد. قابل تذکر است که اخیراً به استفاده از الکترونیک، آله برقی را در هندوستان ساخته اند که تا بالاتر از شصت تال را در آن جا داده اند و برای تمرین بسیار مفید است .

نوت : اعداد عبارت از تعداد مآتره ها یا ضرب ها است ، اما اینکه رقم ها جدا جدا بین علامه جمع دیده میشود عبارت از تعداد بار یا سیلاب ها یا Bivage است.

حالا از جمله تال ها فقط در باره تال تینتال که تال مادر هم گفته میشود و از جمله تال های زیبای کلاسیک می باشد معلومات ارایه میگردد باید متذکر شد که اگر اصول طبله نوازی در یک تال درست درک شود همه تال تابع قوانین مشابه است و فقط بار ها و مآتره ها فرق میکند .

در فوق تذکر داده شد که تال تینتال یا سه چک دارایی 16 ضرب و چهار بار مساوی در یک دور میباشد به این معنی که سه بار آن بنام تالی و یک بار آن بنام خالی یاد میشود . در شکل دایره نمبر (1) ،چکر تینتال را در مسیر عقربه ساعت بدقت مطالعه کنید

محیط دایره به شانزده حصه مساوی تقسیم گردیده است و هر بندی که بالای محیط دایره دیده میشود مآتره ها را نشان میدهد .

نقطه یا بند A بالای محیط دایره که برنگ سرخ نشان داده شده است مآثره یا ضرب اول است که بنام سم یا گُر یا ضرب گران یاد می شود که نسبت به همه مآثره ها قوی تر کار میشود. ولی بطور استثنائی، سم تال روپیک یا تاپیه در بار خالی اجرا میشود.

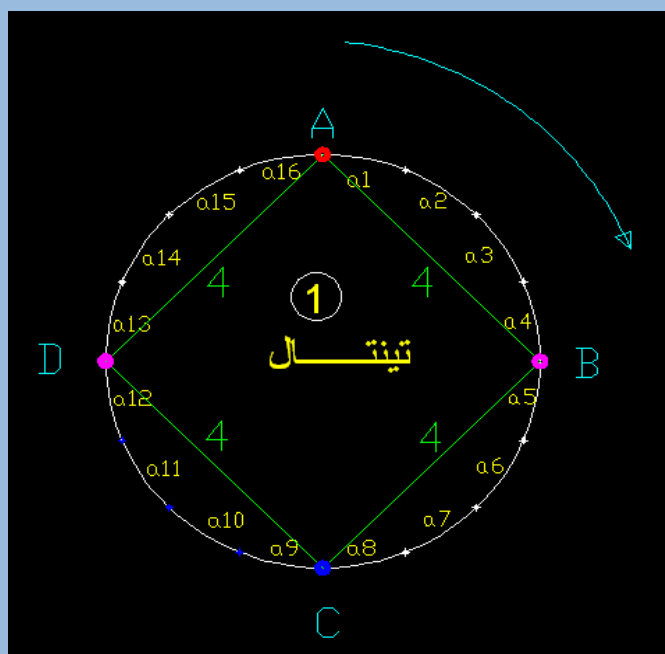
به مسیر حرکت عقربه ساعت در روی محیط دایره در تال تینتال ، بعداز ضرب اول مآثره های پنجم سیزدهم که به حروف B و D نشان داده شده است ضعیف تر از سم ، اما قوی تر از مآثره های دیگر نواخته میشود .

مآثره نهم که برنگ آبی بالای محیط دایره نشان داده شده است ، شروع سیلاب یا بار خالی است که به یک موج خفیف و آرام نواخته میشود یعنی سیلاب یا فاصله از C تا D.

باید متذکر شد که بار خالی هم بسیار مهم است تا خواننده یا نوازنده جای مآثره ء سم یا ضرب گران را تشخیص کند و اگر مآثره های خالی را مثلاً در تال تینتال طبله نواز نشان ندهد، یکنواختی تینتال شنونده را خسته میسازد ، و کسالت بار خواهد بود. همین طور در همه تال ها .

در تال تینتال ،فاصله از A تا B ، از B تا C و از D تا A که در هر کدام آن چهار ضرب یا مآثره جا دارد بنام بار های تالی یاد می شود . اما فاصله از C تا D را بنام بار خالی یاد می کنند .

چنانکه در دایره نمبر 1 دیده میشود، هر گاه مآثره سم یا ضرب گران را به شروع مآثره های هر بار داخل محیط دایره به هم وصل کنیم مربع ABCD بدست می آید که یک شکل هندسی یا مربع است . و به این نتیجه میرسیم که، هرگاه اگر شروع بار های هر تال در داخل دایره را باهم وصل کنیم و اشکال هندسی را بدهد تال ساده است مثلاً وصل بار های جهیتال شکل مستطیل و تال روپیک شکل مثلث را به وجود می آورد. و اگر وصل سر یا شروع بار ها ،اشکال غیر هندسی را بدهد تال مغلق می باشد مانند : بهانومتی تال که دارایی یازده مآثره چهاربار نامساوی است یا گچ لیلا تال ، پرمان تال ، متری تال ، شکهر تال ، چکرتال ، پورن تال، نگشترتال و غیره ، اما تال دهر واکه دارایی 29 مآثره و شش بار کاملاً نامساوی است مانند(3+6+9+1+3+7) از جمله مغلق ترین تال ها است ، که صرف بین استادان حرفوی به سطح بالا آنهم در کدام مراسم خاص استادان موسیقی به شکل رقابت اگر نواخته یا اجرا شود. بین اماتوران غیر مسلکی مروج نیست و برای شنونده نامانوس و هم مشکل است .



16 15 14 13 12 11 10 9 8 7 6 5 4 3 2 1

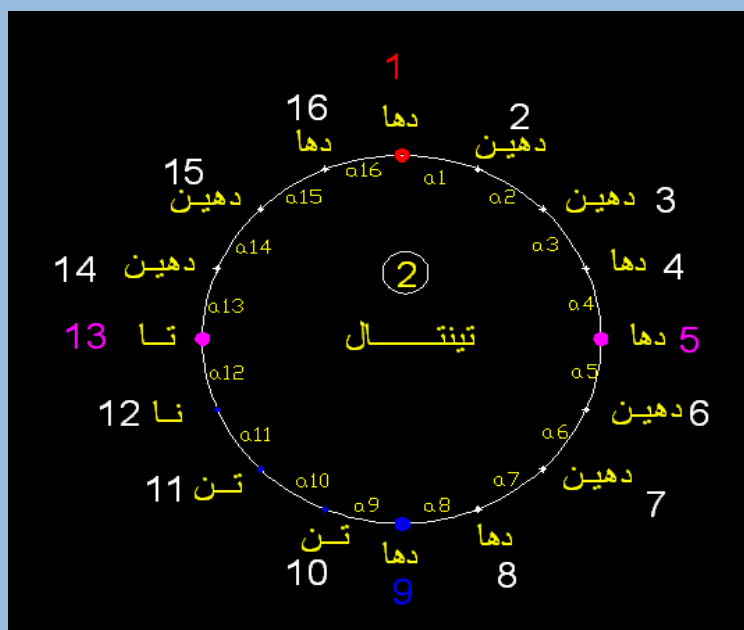
بار اول تالی بار دوم تالی..... بار سوم خالی بار چهارم تالی

(X).....(2).....(0).....(3) یا سه ضرب یک خالی

یا

معمولاً در تحریر، مآثره اول یا سم را به علامه چلیپا نشان میدهند یعنی نقطه سرخ که به حرف A بالا محیط دایره نشان داده شده است.

باز هم در دایره (1) دیده میشود که محیط دایره به توتّه های مساوی تقسیم شده است که فاصله های بسیار خورد زمانی است که به حرف a1 تا a16 بالای محیط دایره نشان داده شده است، که باید باهم مساوی باشند یعنی (a1=a2=a3.....=a16) همین فاصله های خورد زمانی بالای محیط دایره عبارت از ریتم یا لی می باشد و اگر همین لحظات خورد زمانی توسط طبله نواز مراعات و انتقال داده نشود یا نتواند وزمان های خورد لحظوی آن زیاد و کم شود میگوییم طبله نواز بی لی است.



در دایره (2) الفاظ مروج طبله در پهلوی بند های بالا محیط دایره، مآثره ها اضافه شده که بنام (بول) یاد می شود مانند (دها، دهین، تن، نا، تا، تی، گهی، گد، گن و غیره) این الفاظ کدام معنی مشخص ندارد مثلیکه برای حرکت قلب در بالا کلمه (دپ، دُپ) را استعمال نمودیم که کدام معنی مشخص در ساختمان قلب ما ندارد.

در دایره (2) که در هر ربع دایره چهار مآثره همراه با چهار بول جاداده شده است، که یک تینتال ساده می باشد یعنی در هر مآثره یا ضربان یک بول جا داده شده است.

شاید در بعضی وقت طبله نواها در یک دور تینتال الفاظ مختلف را استعمال کند که مربوط می شود به روش ها یا گراانه ها، طور مثال در بالای محیط دایره (2) شما مشاهده میکنید

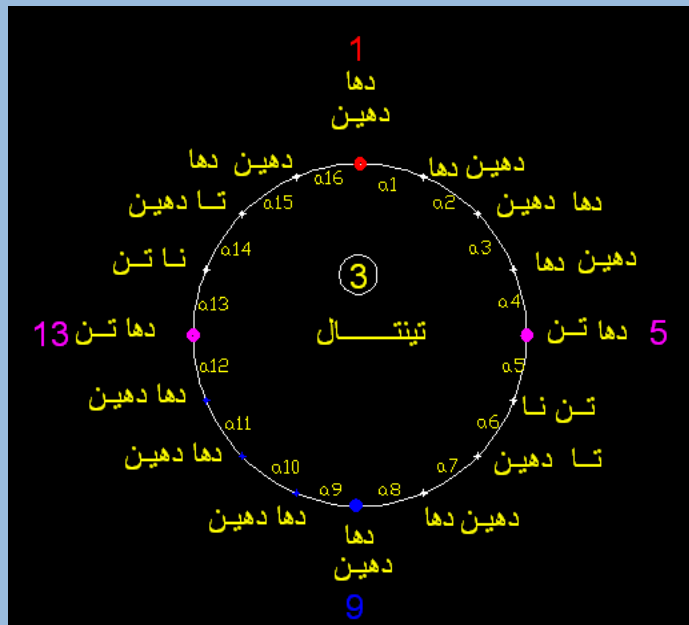
(دها، دهین، دهین، دها دها، دهین، دهین، دها دها، تن، تن، نا تا، دهین، دهین، دها) یا شاید عده

(نا، دهین، دهین، نا نا، دهین، دهین، نا نا، تن، تن، نا نا، دهن، دهن، نا). استعمال کند

هر دو درست است، بعضی وقت بین طبله نوازان خرابات ما مشاجرات بالا می گیرد از صحت بودن و عدم صحت بودن بول ها صحبت میکنند که این موضوع عدم اطلاع از گراانه ها یا روش ها می باشد.

در هندوستان در حدود ده گراانه یا مکتب یا روش موجود بود که فعلاً هفت گراانه یا روش ذیل مروج است یعنی (گراانه دهلی که در راس آن استاد اودر خان.....، گراانه پوراب استاد چاند خان.....، گراانه لکنهو استاد استاد مندو خان و استاد بکسو خان.....، گراانه بنارس استاد رام ساهی.....، گراانه فرخ آباد، استاد ولایت علی خان.....، گراانه اجراده استاد محمود بیخش.....، گراانه پنجاب استاد فقیر بخش خان، قرار دارند که موسس گراانه ها شناخته میشوند. قابل ذکر است که در وطن ما زیاد تر گراانه پنجاب و دهلی مروج است.

در گرانه ها یا مکتب های طبله دیده میشود اکثراً بچه ها ، نواسه و کواسه های از گرانه ء دهلی می باشند و همه مسلمانان اند صرف مکتب یا گرانه بنارس اهل هنو د میباشد .



در دایره (3) در هر مآثره دو بول یا الفاظ استعال می شود که سرعت هم تغیر میکند و نواختن اندکی مغلق میگردد .

در دایره (4) سه بول یا الفاظ در یک مآثره جا داده شده است که نواختن اندک اندک مشکل تر و سریع تر میگردد.

همین طور مروج است که چهار بول یا الفاظ در یک مآثره جا داده میشود که طبعاً سرعت سریع تر میگردد و نواختن مغلق تر .

که بدون شکل قرار نوشته زیر بول ها در هر مآثره جا بجا گردیده است.

x-----	دھا دھین دھین دھا		دھا دھین دھا		دھا تن تن نا		تا دھین دھین دھا	-----	x
2-----	تا دھین دھین دھا		دھا دھین دھین دھا		دھا تن تن نا		تا دھین دھین دھا	-----	2
0-----	دھا دھین دھین دھا		دھا دھین دھین دھا		دھا تن تن نا		تا دھین دھین دھا	-----	0 خالی
3-----	دھا دھین دھین دھا		دھا دھین دھین دھا		دھا تن تن نا		تا دھین دھین دھا	-----	3

به طور خلاصه تر :

2

1

دھا دھین ----- دو مآثره با یک بول

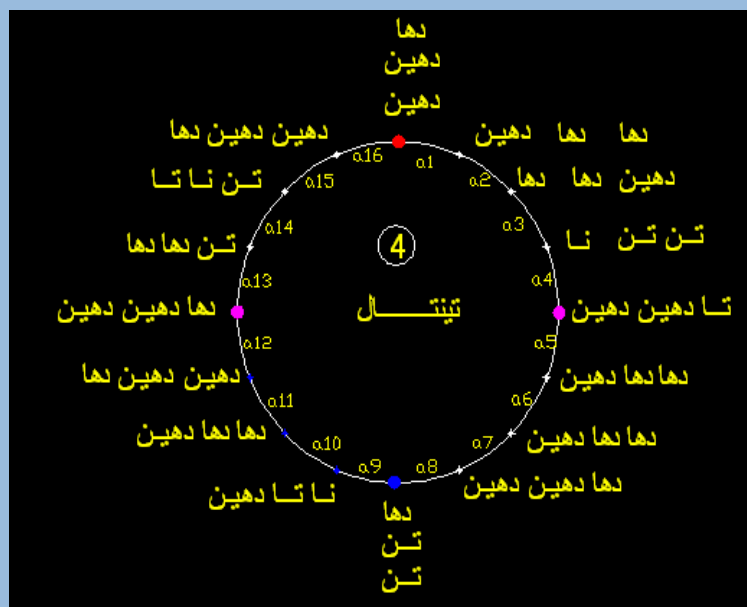
دھا دھین دھین ----- در دو مآثره دو بول

دھا دھا دھین دھین دھین ----- در دو مآثره سه بول

دھا دھا دھا دھین دھین دھین دھین ----- در دو مآثره چهار بول

تا 64 بول در یک دور دایره تینتال کار می شود که معادل است با تاکت شصت و چهار تایی در موسیقی غرب .

اما طبله نوازان ماهر در مسابقات و رقابت ها تال ها را مغلق تر از بالا هم ساخته میتوانند ، بدین معنی که در دو مآتره سه بول یا در سه مآتره پنج بول و همین طور مغلق و مغلق تر می شود یا بنام سخته سازی یا کوتاه سازی یا syncopation هم در طبله نوازی مروج است.



سُر کردن طبله : کاتی یا زیر معمولاً در (سا) بالا یا کهرچ خواننده سُر می شود . در صورتیکه محیط کاتی کلان باشد ممکن وقت سُر کردن تسمه بسکد یا پوست پاره شود . در این صورت کاتی یا زیر به سُر های پنجم یا په میزان میشود . اما در صورتیکه کدام راگ بدون پنجم باشد باید به سُر مدهم یا مه سُر شود . اینکه چرا کاتی در پنجم یا مدهم سُر میشود یک بحث محاسباتی فزیک صوت است . به این معنی که هر

سُر دارای اهتزاز معین در ثانیه است . مثال $S=240f/sec$, $R=270f/sec$, $G=300f/sec$, $M=320f/sec$, $P=360f/sec$, $D=400f/sec$, $N=450f/sec$, $S=480f/sec$

حالا اگر قیمت صوتی هر سُر را تقسیم قیمت سُر (سا) بکنیم حاصل آن اعداد کسری میباشد ، اما بانهم دیده میشود که حاصل سُر های پنجم و بعد مدهم به عدد یک نزدیک تر است فقط دلیل همین است . اما بم طبله معمولاً به سُر پنجم یا مدهم میزان میشود

بخش طبله یا ضرب نوازی بحث طولی است . تنها اگر تال تینتال تا آخر معرفی شود ایجاب چندین مقاله را می نماید . که در صورت پیدا کردن وقت ادامه خواهد کرد.

نوت : برای آواز انسان نباید بی سُر گفته شود اما میتوانیم کم سُر بگویم یا عکس آن ، طور مثال وقتی یک آواز خوان آواز سُر (سا) ادا کند اگر صد در صد آوازش پوره 240 فریکونس بر ثانیه باشد و همینطور در همه سُر ها آوازش سُر مطلق است . اما کسانی که آوازش طور مثال 235 یا برعکس 245 فریکانس بر ثانیه باشد آواز کم اثر است و شنونده عادی برآهنگش بی تفاوت می شود. اما کمله بی سُر فقط برای آواز زاغ ، مرکب و غیره گفته میشود که بی طنین است.

آدرس برقی sediqqiam@yahoo.com